

نیویارک تایمز 19 جون 2011

الیسا جی. روبین

برگردان : مسعود اندیشمند

مصالحه با طالبان

تورجان کسبیکه درینجا امریکایی ها و کانادایی ها را میکشد چیز زیادی از دولت افغانستان نمیخواهد؛ خانه، وظیفه و هشت محافظ امنیتی. او به این چیزها ضرورت دارد. و کار وی به عنوان یکی از طالبانی که میخواهد تغییر جهت دهد همسو با اهداف دولت افغانستان و امریکایی ها است. این فرمانده 28 ساله ی پیشین طالبان با قامت بلند و ریش انبوه سیاه در یک مصاحبه ی غیر معمول بخاطر این تصمیمی که گرفته محزون است. هر چند وی یکی از نشانه های موفق دولت افغانستان است. برنامه ی صلح با طالبان با هزینه های هنگفت مالی عملی می شود که به تغییر جهت و تغییر موضع طالبان می انجامد. هدف از برنامه ی "تغییر جهت طالبان از دشمنی به همسویی با دولت"، آوردن طالبان جنگجو به سوی دولت است تا از قدرت شورشیان کاسته شود. تورجان که از جنگ خسته شده است میگوید. "وقتی تصمیم گرفتم که تغییر موضع دهم از جنگ خسته شده بودم، من دیگر نمیتوانم ماشه را بکشم. من دیگر کاملاً خسته شدم."

ژنرال فل جونز مدیر یک قطعه ی ناتو که این برنامه را نظارت میکند بیان داشت که پیوستن تورجان به دولت میتواند نشان دهنده ی امیدوارانه ی برنامه ی دولت برای جذب و ادغام طالبان به جامعه ی افغانستان باشد - اما این امر همچنان غیر معمول و نادر است. از 1700 جنگجویانیکه درین برنامه ی که ده ماه عمر دارد، فقط یک تعداد انگشت شماری فرمانروایان طالب اند و دو سوم آن از شمال اند، جاییکه شورشیان طالب در مقایسه با شورشیان در جنوب کشور ضعیف هستند. این مجموعه ی 1700 نفری فقط یک بخشی از 20000 تا 40000 شورشیان طالب است، و بسیاری از جنگجویانیکه از این برنامه بهره گیری کردند حتی شاید هم طالب نباشند، فقط مردانی اند با اسلحه. (بلی! در بسا موارد چنین است. جنگ در افغانستان فقط یک تجارت است. هم برای خارجی ها و هم برای داخلی ها که از دین و اسلام به عنوان ابزار این تجارت بهره گیری میکنند.)

(مترجم)

رهبران طالبان که بیشتر آنها در پاکستان هستند، هنوز باید این مصالحه را بپذیرند. وزیر دفاع ایالات متحده ی امریکا رابرت گیتس یکشنبه گذشته آشکارا اذعان کرد که ایالات متحده ی امریکا گفتگو های ابتدایی صلح را با اعضای طالبان آغاز کرده است اما وی در مورد نتایج آن ابراز شک نمود. یک دیپلمات دیگر گفت که تعداد قابل توجهی از جنگجویان طالب تغییر موضع نخواهند داد مگر اینکه چنین مذاکراتی پیشرفت نکند. اما دولت های غربی به این برنامه متعهد اند تا جنگجویان را ترغیب کنند تا تغییر جهت دهند. این برنامه بطور احسن با 140 میلیون دالر که مجموع 150 میلیون دالر است توسط دولت های غربی تامین مالی شده است. بیشتر آن به قول یک مقام نظامی غربی توسط ایالات متحده ی امریکا و جاپان پرداخت می شود. این پول فقط یک در آمد کوتاه مدت را به جنگجویانیکه تغییر جهت میدهند فراهم میکند. سپس مناطق زندگی آنان را با توسعه های سخاوتمندانه و برنامه های کاری پاداش بیشتر میدهند. این کار از توزیع پول هم مؤثر تر تمام می شود تا برای جنگجویان شغل فراهم شود. یکی از دلایل برنامه ی متذکره در جهت توسعه و ایجاد شغل جلوگیری از تکرار سوء استفاده است. در حالی که قبلاً و با سوء استفاده از این روند جنگجویان با تغییر فصل دوباره تغییر جهت میدادند، در زمستان پول جمع آوری میکردند و در تابستان و بهار دوباره به جنگ علیه دولت ادامه می دادند. ژنرال جونز گفت که این برنامه در جنوب و شرق افغانستان به گندی پیش میرود بخاطر اینکه بسیاری از جنگجویانیکه اگر سلاح خود را در زمین بگذارند ترس این را دارند که طالبان از آنها و یا

وابستگی‌شان انتقام خواهند گرفت. یک دیپلمات غربی درینجا که با مذاکرات با طالبان آشنا است گفت: " ما فقط تنها وقتی تعداد بزرگ طالبان را که به دولت بپیوندند مشاهده میکنیم که یک کمی بیشتر پیشرفت در مسیر سیاسی بوجود بیاید." در صورت وقوع چنین چیزی وی گفت، " این خیلی مهم است که پاکستان چگونه واکنش نشان خواهد داد." با این وجود، مقامات غربی میگویند که آنها امیدوارند جنگجویان ناراضی محلی را بتوانند ترغیب کنند تا برای پیوستن و مصالحه با دولت ثبت نام کنند. یک دیپلمات غربی دیگر در کابل گفت: " شما باید به انگیزه ی مردمیکه میجنگند نگاه کنید. یک تعداد مردم که داخل به جنگ شده اند بخاطر اختلافات محلی بر روی زمین، قدرت و یا افتخارهای خانوادگی است. شما با رهبری طالبان بخاطر حل چنین مسائلی به انجام یک معامله ی ضرورت ندارید. طالبان برای چنین اشخاص یک نوع تکیه گاه است."

بر اساس مصاحبه با والیان افغانستان، مقامات ناتو، اعضای شورای عالی صلح و دیپلمات های غربی، پروگرام رشد و توسعه این برنامه نسبتاً با مشکلات روبرو است. مثلاً مشکل تدارکاتی: هر ولایت باید یک کمیته ی صلح و آشتی داشته باشد تا به عنوان میانجی میان فرماندهان فعال طالبان و دولت صرف وقت کند. حساب های بانکی ویژه ی باید راه اندازی میشد تا پولی را که بخاطر اجرای این برنامه به ولایات فرستاده میشد پیگیری میگردید. مقامات افغان و ناتو نیز مشکل تأیید هویت آنهایکه میگویند ما تغییر جهت دادیم را دارند. به قول رئیس کمیته ی صلح و آشتی در ولایت کندز بسیاری از 400 طالبیکه در ماه های اخیر تغییر جهت داده بودند دوباره به دهکده هایشان رفتند تا گروه های مسلح محلی که به نام اربکی معروف است را شکل دهند. رئیس این کمیته اسد الله عمرخیل گفت: " به یک تعداد آنها اسلحه داده شده بود تا امنیت قریه ی خود را بدست بگیرند، بعد ازینکه ما از بزرگان قریه ضمانت گرفتیم که آنها به دولت صادق و وفادار میمانند. برخی از جنگجویان متهم به باج گیری از مردم محل، زورگویی بالای مردم و حتی تجاوز به عفت مردم اند، که این سوال را برمی انگیزد که آیا آنها فقط جنایت کار هستند؟

تنها تور جان فرمانده طالبان از جنوب نیست که به دولت پیوسته است. اما یک فرمانده سرشناس دیگر طالب که تغییر جهت داده است احتمال میبرد که وی آن فرمانده ای نباشد که ادعا میکند. این فرمانده که مولوی نورالله عزیز نام دارد گفت که وی میخواست در ماه اپریل به دولت بپیوندد و به خاطر این کار به یک دوست دوران جوانی خود حاجی فضل الدین آغا کسیکه امروز والی ولسوالی پنجوایی در ولایت قندهار است روی آورد. آقای فضل الدین آغا از او حمایت کرد و وی را به والی ولایت توریالی وپسا معرفی کرد که به دنبال آن والی قندهار طی مراسمی از وی و حد اقل 30 نفر دیگر از پیروانش پذیرایی نمود. به عنوان ثبوت بخاطر هویتش وی نامه ی که وی را در "حکومت سایه ی طالبان" به عنوان والی ولایت قندز نشان میدهد و مهر شورای کویته (گروهی رهبری طالبان که در شهر کویته پاکستان فعال اند) را در خود دارد ارائه نمود. اما بعضی از ادعاهای



تورجان فرمانده سابق طالبان در قندهار

او تا هنوز درست بررسی نشده است و ممکن است ادعاهای موصوف درست نباشد. مثلاً اگرچه او گفت که وی یک ولسوالی را در هلمند تحت کنترل خود داشت اما سران قریه در آنجا گفتند که آنها از چنین نامی هرگز نشنیده اند. مقامات اطلاعاتی غربی داستان وی را زیر سوال قرار دادند، هرچند آنها هنوز هم فکر میکنند که وی احتمالاً یک طالب شورشی بوده است. ضمناً نورالله عزیز به شغلی در ارگان دولتی چشم دوخته بود و از طرف دولت یک خانه دریافت کرد، و همچنان غذا و پول برای اطرافیان که فامیل و افرادش هم شامل آن اند بدست آورد.

اما تجربه ی تورجان درین راستا مشکلتر بوده است. بخاطر اینکه برعکس نورالله عزیز وی فاقد یک حامی سیاسی قدرتمند و ثروتمند بود. وی که در سال 2002 به طالبان پیوسته بود گفت یک و نیم سال را در برگرفت تا اینکه به این تصمیم برسد که

طالبان را ترک کند. او گفت این کار را به این خاطر انجام داد که در جنگ دوستهای خود را از دست داده بود، و شاهد کشته شدن غیر نظامیان بود هنگامیکه بمب های افراش به طور تصادفی منفجر گردیده بود و در دسامبر خیر شده بود که نیروهای امریکایی برادرش را بازداشت کرده بودند در حالی که وی کدام کار اشتباهی نکرده بود. وی در فبروری خسته و فرسوده با 12 نفر خود به دولت پیوست به امید اینکه دولت وعده هاییکه داده بود برآورده میکند. تامین کار برای افراش و تضمین آزادی برادرش. مذاکرات وی با رئیس بخش اطلاعات در قندهار که وی را از کودکی میشناخت آغاز یافت و وی حاضر شد تا ماهانه مبلغ 120 دالر برای افراد تور جان و 150 دالر برای خود تور جان بپردازد - مبلغ معینی که برای طالبان پیوست شده به صف دولت پرداخت میکنند. وی در یک پایگاه نظامی کهنه و باز مانده از شوروی سابق زندگی میکند. برادر تورجان در ماه اپریل آزاد شد ، که باعث تقویه ی روحیه ی وی شد اما افراد وی هنوز هم در انتظار کار اند. وی گفت " دولت نمیتواند بر سر وعده های خود بایستد. یک مثال خوب تجربه ی خودم درین راستاست: درین پنج ماه گذشته هیچ یک از آن چیزهایی را که آنها به من قول داده بودند دریافت نکرده ام: نه حقوق و نه یک امکانات رفاهی خوب. کسانیکه در حال حاضر میجنگند به من میگویند: «افراد تو که بیکار هستند . تو چه بدست آوردی؟»"